

مرکز تخصصی مهدویت

حوزه علمیه قم



فصلنامه علمی - ترویجی

سال یازدهم، شماره ۳۵، تابستان و پاییز ۱۳۹۰

اخلاق زیست محیطی در عصر ظهور با تأکید بر نقد دیدگاه لین وایت و کانت

روح الله شاکری زواردهی*

حجت گورکانی**

چکیده

در این نوشتار، با توجه به آموزه‌های مهدوی به یکی از دغدغه‌های انسان معاصر که حفظ و حراست از محیط زیست است پرداخته شده است؛ زیرا معتقدیم بر اساس آموزه‌های دینی در عصر ظهور، طبیعت و محیط زیست در شرایط مطلوبی قرار دارد؛ به طوری که به اوج شکوفایی و بهره‌وری و کمال مادی و معنوی خود می‌رسد. در آن عصر به سبب برکت وجود حضرت مهدی علیه السلام طبیعت، همه استعداد خود را بر جهانیان عرضه می‌کند. آن حضرت با برپایی عدل و قسط در جهان و ایجاد مودت و دوستی در گستره انسانی و گیاهی و جانوری، باعث از بین رفتن صفات بد اخلاقی در میان جهانیان می‌شود و سبب تطهیر و نورانیت زمین و جهان می‌گردد؛ آن چنان که بر اثر گسترش علم و احیای عدل در آن عصر، حتی در جنگ حضرت با کفار از طرف یارانش، هیچ صدمه‌ای به محیط زیست نمی‌رسد.

در این راستا طبیعت و جهان، احیا و آباد می‌شود و زمین نیز تمام برکات و ثروت‌ها و گنج‌های پنهان خود را بیرون می‌ریزد. به دلیل آنکه مردم هم از جهت معنوی رشد می‌کنند و گرد معصیت خدا نمی‌گردند، محیط زیست را امانت الهی در دست بشر می‌دانند و در استفاده از منابع، زیاده روی نخواهند کرد؛ در نتیجه از محیط زیست به بهترین شیوه ممکن استفاده خواهد شد. حال چگونه است که برخی دانشمندان غربی که

*. استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم) shaker.r@ut.ac.ir

** کارشناس ارشد فلسفه اخلاق

راه افراط و تفریط را پیموده‌اند، دین را عامل تخریب محیط زیست معرفی می‌کنند و برخی دیگر، ارزش و اعتباری برای طبیعت قائل نیستند؟ آنچه در این مقاله می‌آید، تلاشی است که ضمن نقد این دیدگاه‌ها، به کمک روایات، توصیفی از جامعه آرمانی مهدوی ارائه می‌دهد.

کلید واژه‌ها: اخلاق، محیط زیست، حقوق طبیعت و حیوانات، ارزشمندی طبیعت، آموزه‌های مهدوی.

طرح مسأله

امروزه انسان‌ها با انجام کارهای اشتباه، باعث ویرانی و آلودگی محیط زیست و طبیعت خود شده‌اند. تا کنون هیچ موجودی مانند انسان نتوانسته است این چنین با سرعت، خانه خود را آلوده کند. استفاده از سوخت‌های فسیلی، تخریب جنگل‌ها و مراتع و رشد فزاینده شهرنشینی، ته نشست فاضلاب‌ها و زباله‌ها باعث آلوده کردن و تخریب محیط زیست شده است. استفاده از بمب‌های اتمی و شیمیایی - که در جنگ جهانی باعث از بین بردن گونه‌های جانوری و گیاهی در هیروشیما و ناکازاکی شده است - تولید زباله‌های اتمی و زباله‌هایی که در دریا ریخته می‌شود و باعث از بین رفتن موجودات آبی و دریایی می‌شود، حتی شکار بی رویه پرندگان و جانوران وحشی برای تغذیه و استفاده از پوست آن‌ها - که باعث از بین رفتن گونه‌های جانوری و حتی در نوعی از جانوران باعث انقراض کامل بسیاری از آن‌ها شده است - تخریب جنگل‌ها توسط انسان و آتش سوزی آن‌ها در فصل‌های خشک و ... باعث تخریب محیط زیست و طبیعت شده است.

امروزه در اثر پیشرفت صنعت و فناوری و ساخت انواع کارخانه‌ها و ماشین‌های صنعتی، انسان با ایجاد دود و سر و صدا باعث آلودگی هوا و آلودگی صوتی بر روی زمین شده است که این هم گرم‌تر شدن کره زمین و آب شدن بسیاری از یخچال‌های طبیعی و یخ‌های قطبی و از بین رفتن محیط زیست و طبیعت را در پی داشته است.

از طرفی با افزایش جمعیت، افزایش تولید و افزایش متوسط درآمدهای مردم در مدتی بیش از صد سال، جای تعجب نیست که محیط زیست ما در مستحیل ساختن آشغال‌ها و

فضولات ما شکست فاحشی متحمل شده است. این هم به نوعی با انقلاب صنعتی در ارتباط است که باعث تولید زباله‌های زیاد و خطرناک شده است که طبیعت ما توانایی دفع آن را ندارد. انسان پست مدرن هم با این همه افزایش علم خود، توانایی کامل و سالم دفع کردن آن را ندارد.

با توجه به این همه مشکلات، ما انسان‌ها باید مراقب نوع رفتار خویش با محیط زیست خود و دیگر موجودات باشیم. مسائلی که گفته شد، باعث شده است که امروزه به اخلاق زیست محیطی اهمیت بدهیم و به فکر چاره‌ای برای حل این بحران و مشکلات باشیم.

حال ما می‌خواهیم بدانیم که وضعیت محیط زیست در عصر ظهور منجی موعود، چگونه خواهد بود؟ آیا مشکلاتی که در عصر ما وجود دارد، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام هم وجود خواهد داشت؟ آیا دیدگاه‌های افراطی نظیر لاین وایت و کانت با توجه به ارزش و اعتبار اخلاق زیست محیطی و با روایات مهدوی در این زمینه، در تعارض نیستند؟

پیش از ورود به بحث، باید گفت: اخلاق یا فلسفه اخلاق به کوشش منظم برای فهم مفاهیم اخلاقی و توجیه اصول و نظریه‌های اخلاق، اطلاق می‌شود. اخلاق است که مفاهیمی چون «درست»، «نادرست»، «جایز»، «بایست»، «خیر» و «شر» را در زمینه‌های اخلاقی تحلیل می‌کند. اخلاق می‌کوشد تا اصول رفتاری درستی را که راهنمای کنش افراد و گروه‌ها را فراهم می‌کنند، تثبیت کند. اخلاق است که بررسی می‌کند کدام ارزش‌ها و فضیلت‌ها هم ارزش زندگی یا جامعه ارزش‌مندند. اخلاق، استدلال‌ها را در نظریه‌های اخلاقی می‌سازد و آن‌ها را به دقت واری می‌کند و می‌کوشد تا اصول معتبر و رابطه میان این اصول را کشف کند (پویمان، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۶).

احساس می‌شود تبیین صحیحی از اخلاق زیست محیطی صورت نگرفته است؛ لذا شاهد بیان برخی دیدگاه‌های افراطی یا تفریطی در این زمینه هستیم؛ بدین سبب تلاش شد ابتدا با بیان دیدگاه‌ها و نقد اجمالی آن‌ها سپس به واسطه روایات مهدوی به تفصیل به جایگاه طبیعت در عصر ظهور وارد شویم.

برخی از دانشوران غرب در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند و ما در این جا به بیان نظرات

دو تن از آنان یعنی ایمانوئل کانت و لین وایت می‌پردازیم:

یک. لین وایت و محیط زیست

لین وایت (۱۹۰۷-۱۹۸۷) معتقد است که ریشه‌های بحران بوم‌شناختی ما در این فکرت یهودی-مسیحی ماست که بشر باید بر طبیعت حکومت کند و طبیعت را بیگانه و صرفاً منبعی تلقی کرده‌ایم که باید از آن بهره‌کشی نمود.^۱ لین وایت قائل به ارزش ذاتی محیط زیست است. او عقیده‌مند است که ما باید به خاطر خود محیط زیست، برای آن ارزش قائل شویم. طبیعت به ما نیاز ندارد و ما به طبیعت نیاز داریم؛ زیرا طبیعت بدون وجود ما هم خواهد بود. لین وایت در سال ۱۹۶۷م مقاله‌ای نوشت و در آن، مدعی شد که بحران زیست محیطی کنونی ما در اصل، معلول «نخوت مسیحیت متعارف نسبت به طبیعت» است. به اعتقاد او نخوت، در نگرش انسان مدارانه و تحکم آمیزی ریشه دارد که سابقه اش به سفر تکوین باز می‌گردد؛ مخصوصاً به آیه ۲۸، از باب اول آن:

و خدا ایشان [آدم و حوا] را برکت دارد و بدیشان گفت: «بارور شوید و تکثیر شوید، زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان و همه جانورانی که بر روی زمین زندگی می‌کنند، سروری [حکومت] کنید».

به نظر وایت، دین مسیحیت یکی از انسان‌مدارترین دین‌هاست که انسان را محور قرار داده است تا بتواند بر طبیعت مسلط شود.^۲

به گفته وایت در جهان‌نگری مسیحی:

آدمی تا حد زیادی در تعالی‌ای که خدا نسبت به طبیعت دارد، شریک و سهیم است (پویمان، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۸۰).

و مسیحیت با از میان برداشتن جاندارانگاری ادیان غیرابراهیمی [یعنی اعتقاد به اینکه در اشیای طبیعی روح است]، این امکان را فراهم آورد که با روحیه‌ای که به احساسات اشیای طبیعی بی‌اعتناست، از طبیعت بهره‌کشی کنم (همو،

۱. نک: پویمان، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۶۵.

۲. نک: همو، ص ۶۰.

ص ۸۱).

این طرز تلقی باعث شده که در زمین، ویرانی به بار آوریم و محیط زیست خود را تخریب کنیم. پس ما نیز تا زمانی که این اصل موضوع مسیحیت را که طبیعت، هیچ فلسفه وجودی‌ای جز خدمت به انسان ندارد، طرد نکنیم، کما فی السابق با بحران بوم شناختی رو به روییم (همو، ص ۸۹).

نقد

از آنجا که طبیعت و دنیای خاکی، زادگاه و محل نشو و نمای انسان است، همواره مورد احترام ادیان قرار گرفته و احترام به آن به انسان، سفارش شده است.

اولاً. در فصلی از کتاب مقدس از تسبیح و عبادت آسمان‌ها، آب، آتش، تگرگ، برف، مه، بادتند و جمیع لجه‌ها یاد کرده است (سفر مزامیر، باب ۱۰۴، ش ۳-۲۵). در ادیان عبری نیز براهمیت مظاهر طبیعی - به ویژه آب - تاکید شده است. از جمله در سفر آفرینش تورات آمده است:

در ابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. زمین، تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آب‌ها را فرا گرفت... خدا گفت: فلکی باشد در میان آب‌ها و آب‌ها را از آب‌ها جدا کند. خدا فلک را ساخت و آب‌های زیر فلک را از آب‌های بالای فلک جدا کرد و چنین شد (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۱۰، ش ۱).

ثانیاً. با بررسی دقیق، مشاهده می‌کنیم که منابعی غنی از دیدگاه‌های مثبت درباره محیط زیست در الهیات مقدس و در مسیح شناسی مبتنی بر تجسد مسیح، وجود دارد. سنت عهد عتیق، حاوی تعهداتی است که در برابر همه موجودات، وجود دارد؛ مثلاً تجسد مسیح بر این فرضیه متکی است که از آنجا که خداوند در شخص مسیح، متجسد شد، کل نظام هستی را می‌توان مقدس شمرد. الهیات مسیحی تأکید می‌کند که باید به کمک اخلاق ناظر به عدالت زیست محیطی به تلاش همگانی در راه بازسازی محیط زیست اقدام کنیم.

ثالثاً. خدای سبحان، نظام کیهانی و زمین و محیط زیست را آفرید و آن‌ها را در اختیار انسان نهاد، تا او را بر اساس دستورهای خود بیازماید و ببیند که وی پس از مطالعه و شناخت

لازم، چگونه از این امانت‌های الهی در مسیر طاعت خالق بهره می‌گیرد و با مزایا و نعمت‌های زیست محیطی پروردگار، چگونه رفتار می‌کند. در آموزه‌های دینی، توجه ویژه‌ای به محیط زیست شده و برای کسانی که در احیا و نگهداری آن می‌کوشند، پاداش مادی و معنوی فراوانی ذکر شده است؛ برای نمونه، رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

هرکس درختی بکارد، خدا به اندازه محصول آن برایش پاداش می‌نویسد (پاینده، ۱۳۷۹: ص ۵۳۵).

در مقابل اگر از طبیعت و امکانات مادی به گونه‌ای مناسب و شایسته، بهره‌گیری نشود، آثار زیان بار و جبران ناپذیری در پی دارد. سلامت محیط زیست پیوندی تنگاتنگ با حیات جامعه دارد. همان‌گونه که درباره بدن، بهداشت و پیش‌گیری، بر درمان و معالجه، مقدم است، تأمین فضای سالم و محیط زیست مناسب نیز بر جبران خسارت‌های ناشی از تخریب محیط زیست مقدم است که وظیفه همگان را برای حفظ محیط زیست ایجاب می‌کند. سالم نگه داشتن محیط زیست، یعنی رعایت حق زمین، هوا، آب، خاک، دریا، صحرا، کوه و دشت، گیاهان، حیوانات و سایر موجودات و عرصه‌های زیست محیطی که با حیات فرد و جامعه پیوند دارند. در آموزه‌های دینی، هم از آلوده کردن محیط زیست نهی شده و هم به پاکسازی آن، ترغیب و امر شده است.^۱

دو. کانت و محیط زیست

ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) فیلسوفی انسان‌گرا است. طبق دیدگاه انسان‌گرایانه، این انسان است که حق و حقوقی دارد و در استفاده از محیط زیست باید مصالح او مورد توجه قرار گیرد. بر طبق نظر او تنها امری که واجد ارزش ذاتی است، اراده خیر است که فقط در انسان وجود دارد و طبیعت و حیوانات، چون هیچ اراده‌ای ندارند، نمی‌توانند اراده نیک و خیر داشته باشند و از این رو هیچ ارزش ذاتی‌ای را واجد نیستند.

کانت معتقد است که حیوانات، هیچ گونه حقی ندارند؛ زیرا حقوق و تکالیف، معیت دارند و

۱. مفاتیح الحیاء، ص ۶۸۹-۶۹۱.

تکالیف نیز مستلزم پاسخ گویی و وظیفه است. در واقع تکلیف، پدیده‌ای اخلاقی است و به معنای محدودیت اراده بر پایه دستور قانون است و از آنجا که حیوانات عقل ندارند، نمی‌توانند از قانون و مقتضیات آن آگاه باشند. با توجه به اینکه حیوانات تکلیف پذیر نیستند، برای حق داشتن نیز قابلیت ندارند؛ زیرا معقول نیست مدعی شویم که موجودی دارای حق است؛ اما تکلیفی ندارد. پیش فرض حق داشتن، عقلانیت است و درحقیقت حق، قدرتی اخلاقی است برای انجام کاری، مالک شدن چیزی و مطالبه امری از دیگری.

در واقع حیوان، شیء است و از اموال انسان به شمار می‌آید. کسی که به حیوانی آسیب می‌رساند یا آن را می‌کشد، هیچ حقی از حیوان را نقض نکرده است؛ بلکه اگر این حیوان از آن شخص باشد، حق مالکیت آن شخص تضییع شده است. حتی اگر ما هم تکالیفی در برابر طبیعت و حیوانات و اشیای بی جان داشته باشیم، هدف این تکالیف هم به طور غیر مستقیم انسانیت است. روحیه ویران‌گری انسان در برابر اشیایی که می‌توانند مورد استفاده واقع شوند، خلاف اخلاق است. کسی که به حیوانات ستم‌گری کند در رفتار با انسان‌ها نیز خشن خواهد بود. قلب انسان‌ها را می‌توان از روی رفتارشان در برابر حیوانات قضاوت کرد. هیچ کس نباید زیبایی طبیعت را ویران کند؛ زیرا اگر خود او نتواند از پدیده‌های طبیعی استفاده کند، دیگران می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. گرچه حفظ اشیای برای خود اشیا نیست، بلکه به لحاظ انسان‌هایی است که از آن‌ها استفاده می‌کنند، پس تمام تکالیف ما در برابر موجودات و طبیعت، به طور غیر مستقیم، ناشی از تکالیفی است که ما در برابر انسان‌های دیگر داریم.^۱

نقد

۱. تلازم حق و تکلیف، سخنی درست است؛ اما مقتضی آن نیست که حق و تکلیف در یک موجود جمع شوند؛ یعنی می‌توان فرض کرد اگر موجودی دارای حق است، موجودی دیگر و نه همان موجود، مکلف باشد؛ از این رو می‌توان برای حیوانات و طبیعت، حقوقی را در نظر گرفت که مکلفان در برابر این حقوق، انسان‌ها باشند، نه آن حیوان و نه حیوانات دیگر یا موجودات طبیعت.

۱. درس‌های فلسفه اخلاق کانت، ص ۵-۳۲۴.

۲. فرض حقوق، مانند حق زندگی برای حیوانات، مستلزم آن نیست که چنین حقوقی مطلق باشند و در هیچ حالتی، از آن‌ها قابل سلب نباشند؛ از این رو جواز ذبح حیوانات و بهره برداری از آن‌ها موجب آن نیست که معتقد شویم حیوانات، دارای حقوق نیستند؛ چنان‌که فرض حق زندگی برای انسان، مستلزم آن نیست که این حقوق در هیچ صورتی - حتی اگر انسانی هزاران انسان بی گناه دیگر را کشته باشد - قابل سلب از او نباشد.

۳. حیوانات در زندگی انسان، آثار بی شمار و فایده‌های گوناگون دارند. خدای سبحان با آفرینش حیوانات و تسخیر آن‌ها به دست انسان‌ها، نعمت‌های فراوانی را بهره‌آنان کرده است. قرن‌هاست که بشر در حمل و نقل بار و مسافر و نیز در کشاورزی و آب رسانی، از حیوانات اهلی بهره می‌برد. انتفاع از گوشت، پوست، پشم، کرک، مو، شیر و فرآورده‌های لبنی و اجزای بدن حیوانات از سرمایه‌های بزرگ جوامع سنتی و صنعتی بوده و هست.

در قرآن کریم، سوره‌هایی به نام برخی حیوانات - مانند بقره، انعام، فیل، نحل و عنکبوت وجود دارد که پیوند نزدیک زندگی انسان با حیوانات را نشان می‌دهد. در فقه اسلامی نیز حقوق و وظایفی برای انسان در تعامل با عموم جانوران اهلی و غیراهلی وجود دارد که حد و مرز رفتارهای مشروع و نامشروع را مشخص می‌کند و بهره‌گیری‌های حلال و حرام از آن‌ها را نشان می‌دهد. احکام رسیدگی به آب و غذا و دارو و درمان و نیازهای حیاتی آن‌ها و ستم نکردن به حیوانات در بخش‌های مختلف فقه اسلامی بیان شده‌اند.^۱

سه. وضعیت طبیعت و محیط زیست پیش از ظهور

در عصر پیش از ظهور، ویران‌گری و تخریب، بر عمران و آبادی پیشی می‌گیرد و هر سال، فساد و بدعتی نو آشکار می‌شود. در این دوران، طبیعت و محیط زیست، ویران و آلوده می‌شود. در برخی روایات آمده است که در دوران قبل از ظهور موعود چنین می‌شود:

زشت کاری ظهور می‌کند، زلزله می‌آید و چون حاکمان ظلم کنند، باران کم آید... مردم، دین خود را به متاع اندک می‌فروشند (احسان بخش، ۱۳۷۶):

۱. مفاتیح الحیاء، ص ۶۴۳ و ۶۴۴

ج ۲۹، ص ۴۸۶).

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

در پیش از ظهور قائم علیه السلام آن چنان قحطی به وجود می‌آید که خرما می‌نرسیده بالای درخت، خورده می‌شود؛ پس از آن زمان، شکایت نکنید (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ص ۷۶۲).

در این زمان، اسراف در نعمت‌ها و گناهان زیاد می‌شود. در عصر پیش از ظهور، مؤمنان به امور گوناگونی آزمایش می‌شوند و کارهایی در آن عصر مانند گرانی، فاسد شدن تجارت، دزدی زیاد می‌گردد. در آن زمان، فساد و ناامنی در بین مردم زیاد می‌شود، طبیعت و محیط زیست انسان فاسد و نابود می‌گردد و در آن، برکت از بین می‌رود.

محیط زیست انسان هم در اثر ظلم و فساد مردم، ویران می‌شود و رابطه انسان با طبیعت، با سایر انسان‌ها و نیز با خدا بد می‌شود. افراد وفادار و امانتدار در آن دوران، کم می‌شوند و محیط زیست نیز بر اثر فساد رابطه انسان‌ها با یکدیگر، ویران و آلوده می‌شود؛ زیرا در اثر برخورد انسان‌ها با یکدیگر، طبیعت هم در آتش جنگ مردم می‌سوزد؛ چرا که در آن دوران، جنگ و خونریزی هم زیاد می‌شود.

در اثر از بین رفتن امر به معروف و نهی از منکر، طبیعت هم نابود می‌شود. در این بین، برکت از محصولات کشاورزی می‌رود و خداوند منان هم باران را در اقیانوس‌ها و زمین بایر می‌ریزد؛ در نتیجه نعمت کم می‌شود؛ چرا که مردم به جای تقوا و پرهیز کاری، اهل طغیان شده‌اند و رهبری ابرها - مانند دیگر موجودات جهان - با خدای سبحان است.

حقوق زیست محیطی در عصر ظهور موعود

با توجه و تأمل در روایات رسیده از معصومان علیهم السلام فهمیده می‌شود که فضای زیستی و موجودات ساکن این قلمرو، از نهایت مواهب حکومت حضرت مهدی علیه السلام برخوردار شده، طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید.

از آنجا که وجود امام عصر علیه السلام لطف خدا برای بندگان است، آن حضرت منبع علم، حکمت و برکت برای جهان می‌شود. آن بزرگوار علم و عقول مردم را به کمال می‌رساند و

سعادت و کمال را برای جهان به ارمغان می‌آورد. محیط زیست نیز در این راستا به اوج کمال و فعلیت خود می‌رسد. در این بین نیز زمین و طبیعت، همه قابلیت‌های خود را به فعلیت می‌رسانند و جهان پر از عدل و داد خواهد شد و طبیعت و محیط زیست نیز به وسیله انسان‌ها و دیگر موجودات، حفظ خواهند گشت. هیچ‌گونه تخریب و ویرانی‌ای در محیط زیست رخ نخواهد داد و همه موجودات در کنار یک‌دیگر با امنیت و سلامت کامل خواهند زیست. ما در اینجا با استفاده از روایات، به صورت اجمالی به وضعیت محیط زیست در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهیم پرداخت:

۱. رشد و توسعه علمی در جهت بسط و گسترش و حفظ محیط زیست

در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام تمام علوم تجربی و غیر تجربی آشکار می‌شود و آن حضرت با استفاده از عدل و احسان با مردم برخورد می‌کند. از آنجا که وجود حضرت لطف خدا برای بندگان است، خود او منبع علم و حکمت و برکت برای جهان می‌باشد. آن بزرگوار، علم و عقول مردم را به کمال نهایی خود می‌رساند و سعادت و کمال را برای جهان به ارمغان می‌آورد. دانش صحیح در هر خانه‌ای منتشر می‌شود و حلقه‌های درس و بحث، هم برای مردان و هم برای زنان، در اجتماعات مختلف ایجاد خواهد گردید. در عصر ظهور، علم و صنعت، پیشرفت حیرت‌انگیزی داشته، اخلاق و دین هم‌پای علم و عقل، راهگشای زندگی انسان‌ها به سوی معنویت و عبودیت خواهد بود.

صنعت و پیشرفت در عین اینکه باعث رفاه و راحتی بشر است، مانعی برای دینداری و اخلاق‌گرایی و حرکت به سوی کمال و تعالی نخواهد بود و انسان را غرق در تجملات، لذات زودگذر و فساد و انحراف، نخواهد کرد که باعث ویرانی و نابودی اخلاق و طبیعت و محیط زیست انسانی و حیوانی و نباتی شود:

به درستی علم به احکام خدا و سنت پیغمبر در دل مهدی می‌روید، همانطور که زراعت می‌روید، بهترین رویدنی (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۳۱۷).

طبق روایات، علم و دانش ۲۷ حرف (شعبه) است. تمام آنچه پیامبران الهی آورده‌اند، دو حرف بیشتر نبوده و مردم زمان ما تا کنون دو حرف بیشتر نشناخته‌اند.

چنان که در روایات آمده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

خداوند، زمین را به وسیله حضرت مهدی پر از نور و روشنایی می کند، بعد از تاریکی و ظلمت آن، و پر از عدل می کند بعد از جور و ستم، و پر از علم و دانایی می کند بعد از جهل و نادانی (شیخ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۶۰).

همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید:

در زمان حضرت مهدی علیه السلام همگی شما به زیور حکمت و دانش آراسته می شوید، تا جایی که هر زنی در خانه خویش بر طبق کتاب خدای تعالی و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکم می کند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۳۵۲).

با استفاده از این روایات، معلوم می شود که عقل و علم، به کمال و فعلیت می رسد و هنگامی که تمام موجودات عالم - چه انسان ها، جانوران و گیاهان و حتی جمادات - به آخرین مرتبه فعلیت خود می رسند، دیگر هیچ گونه تخریبی در محیط زیست رخ نخواهد داد و محیط زیست حفظ می شود.

۲. پاک شدن زمین از هر نوع آلودگی، حتی آلودگی های زیست محیطی

در عصر مهدویت، زمین با لطف الهی خود از هر جور و ظلمی پاک می شود و با نور الهی منور و تابان می گردد. کلمات جور و ظلم با کلماتی مانند طغیان و انحراف مترادف معنایی دارد. بدیهی است که هر گونه آلودگی، زیر معنای جور و ظلم قرار می گیرد؛ زیرا هر گونه آلودگی به معنای انحراف از طبیعت مخلوق الهی و به معنای تعدی از حق و حرکت به سوی باطل است. همچنان که به هر گونه تجاوز از حق - اعم از کم و زیاد - اطلاق می شود. همچنین ظلم در لغت، به معنای تاریکی و شکافی است که در زمین به وجود می آید و به معنای آن است که «هر چیز در جایگاه شایسته خودش قرار نگیرد» که این معنا در مقابل عدل می باشد.

واضح است که بر طبق این تعاریف، حکومت ظلم ستیز و عدالت محور مهدوی، حکومتی بر مبنای تطهیر محیط زیست از هر گونه آلودگی و انحراف است و این امر محیط زیست را

به وضعیتی آرمانی باز می‌گرداند و از طهارت و حیات طیبه آن، حفاظت می‌کند.^۱

جابر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

... نباتات به بهترین شیوه، نشو و نما کنند (شیخ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲،

ص ۵۰۶).

در زمان آن حضرت بر اثر برپایی عدل و قسط در جهان و تشکیل حکومت واحد جهانی، خراب کردن محیط زیست و آلودگی و ویرانی طبیعت انجام نمی‌گیرد و فساد و تباهی با عدل در تضاد می‌باشد؛ پس ویرانی هم صورت نمی‌گیرد و محیط زیست هم حفظ خواهد شد و به تعالی خود خواهد رسید و الطاف الهی حضرت مهدی علیه السلام به آن تعلق خواهد گرفت.

۳. ایجاد امنیت و صلح در گستره گیاهی، حیوانی و انسانی

محصول عدالت گستری و ظلم ستیزی حکومت مهدی علیه السلام و رعایت حقوق محیط زیست و ساکنان آن، چیزی جز امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نخواهد بود. امام زمان علیه السلام دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی را بین بندگان خدا و نیز بین مردم با طبیعت ایجاد می‌کند. در این راستا رابطه انسان با طبیعت نیز صمیمی و اصلاح می‌شود؛ به طوری که هر کس از طبیعت به اندازه‌ای بهره می‌گیرد که احتیاج دارد و اسراف در استفاده از طبیعت انجام نمی‌گیرد.

همان طور که برحسب روایات، کینه‌ها و اختلاف‌ها از جامعه بشری رخت بر می‌بندد، این عوامل، از عالم حیوانی و جانوری و نباتی نیز ناپدید خواهند شد. حتی حیواناتی که به کینه جویی و تقابل با هم شهره‌اند، در کمال مسالمت و آرامش، به زندگی مودت آمیز در کنار هم خواهند پرداخت. در زمان آن حضرت، ستم ریشه کن و راه‌ها امن می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

این آیه (آیه ۵۵ سوره نور) در شأن حضرت قائم و اصحاب او نازل شده است.

۱. نک: حجازی، سید علیرضا، «عصر مهدویت و حقوق محیط زیست»، فصلنامه انتظار موعود،

خداوند در این آیه می‌فرماید:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را [در ظهور امام زمان] به آنان خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، برایشان پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، [بگونه‌ای] که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها همان فاسقانند.

در این آیه، چهار وعده صریح به مؤمنان داده شده است که یکی از آن وعده‌ها تبدیل خوف به امنیت است؛ یعنی برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه زمین.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

زن سالخورده و ناتوان از شرق تا غرب عالم می‌رود، بی آنکه احساس ناامنی و اذیت و آزار کند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۱).

در زمان حضرتش فتنه‌ها و اختلاف‌ها رفع می‌شود:

خداوند به وسیله او فتنه‌های جانکاه را آرام و ساکن می‌سازد. زمین امن می‌شود. یک زن در میان پنج زن بدون اینکه مردی آنان را همراهی کند، به حج خانه خدا می‌رود و جز خدا از کسی باکی ندارد (سلیمان، ۱۳۷۶ش: ج ۲، ص ۶۴۰).

در زمان ظهور، دل‌ها سرشار از غنای معنوی و روحانی می‌شود و خلق و خوی زشت حرص را از دل‌ها ریشه کن می‌کند. در حدیث معروفی عبارتی آمده که نشانه امنیت بی سابقه در عصر ظهور است:

در این عصر، حیوانات وحشی و چارپایان، در کمال صلح و مسالمت با یکدیگر به سر می‌برند؛ به همین دلیل نیز حیوانات وحشی، دیگر خوف برانگیز نبوده، به سایر حیوانات حمله نمی‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ص ۹۵).

در کلمات قدسی آمده است:

در آن زمان، امنیت و آسایش را در روی زمین حکم فرما می‌کنم. چیزی به چیزی صدمه نمی‌زند و چیزی از چیزی نمی‌هراسد. حشرات و حیوانات به مردمان و یکدیگر آسیب نمی‌رسانند (سید بن طاووس، ۱۳۸۶: ص ۳۴).

با توجه به این روایات، معلوم می‌شود که همه موجودات زمین، در نهایت امن و عدالت خواهند زیست و محیط زیست کره زمین و فضا حفظ می‌شود.

۴. اوج و تعالی و کمال معنوی محیط زیست

در دولت مهدوی، حیوانات وحشی، تعالی پیشه می‌کنند و با کنار گذاشتن توحش، رام شده، تکامل می‌یابند. طبق برخی روایات، حیوانات عادی هم کارهای مخرب خود را کنار می‌نهند، تا جایی که حیوانی مانند موش دیگر انبانی را پاره نمی‌کند. این تکامل خواهی، تنها به حیوانات و نباتات محدود نمی‌شود؛ بلکه جمادات نیز می‌خواهند در این حیات طیبه وارد شده، نهضت جهانی امام مهدی علیه السلام را مساعدت کنند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

آن‌گاه مهدی علیه السلام فرماندهانش را به همه شهرها می‌فرستد و فرمان می‌دهد که عدالت را در میان مردم برقرار کنند. گرگ و گوسفند در کنار یکدیگر می‌چرند. کودکان با مارها و عقربها بازی می‌کنند و آسیبی به آنها نمی‌رسد (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ص ۱۵۹).

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش علیه السلام آمده است:

خداوند در آخرالزمان به آن هنگام که روزگار سخت پرفشار، و مردم به نادانی درغلطند، مردی را برمی‌انگیزد و او را به فرشتگان خویش تأیید می‌کند و یاورانش را حفظ نموده، پذیرای آیات خویش می‌گرداند و بر ساکنان زمین نمایان و ظاهرش می‌سازد، تا اینکه از روی میل یا اکراه، سر به فرمانش نهند. آن‌گاه زمین را سراسر پر از داد و برابری و مهر و روشنایی می‌نماید و همه بلاد عالم را - از مشرق تا مغرب و از شمال تا جنوب - به او می‌سپارد. کافری نمی‌ماند، مگر اینکه ایمان می‌آورد و ناشایستی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه شایسته و نیکو می‌شود. درنده خوها و ددان در فرمانروایی او رام گردند، و زمین و آسمان، برکت خود را فرود آورد و گنجها بر او آشکار شود (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ج اول، ص ۴۸۷).

پس در زمان ظهور حضرت، جمادات، نباتات و حیوانات نیز همه تحت فرمان حضرت مهدی علیه السلام قرار گرفته، به اطاعت و یاری او می‌پردازند. در حالی که حتی جمادات به این مرحله از ترقی و تکامل می‌رسند، هر اتفاقی که بخواهد محیط زیست را خراب و ویران کند را خیر داده، از وقوع آن جلوگیری می‌کنند و بدین سان محیط زیست حفظ خواهد شد.

۵. حفظ محیط زیست در جنگ زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام، یاران وی به مجازات و نابودی ستم‌گران اقدام می‌کنند و همانند عمل جراحی لازمی، جامعه اسلامی و سایر جوامع جهانی را از لوٹ وجود سرکشان و ستم پیشگان پاک می‌نمایند؛ زیرا بدون این اقدامات، هرگز بساط ظلم زورمندان، برچیده نشده، حاکمیت عدالت، عملی نمی‌شود.

اگر امام با سیاست ملایمت و گذشت، با آن‌ها رفتار کند، هرگز ترفندها و توطئه‌های جدید مستکبران و فسادکنندگان در زمین از بین نخواهد رفت، حضرت در عصر قیام، توبه ظاهری هیچ مجرم و ستمکاری را نمی‌پذیرد؛ همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در براندازی نظام جاهلی، جهاد پیشه کرد و با کافران به قتال و کارزار پرداخت. البته باید گفت که جنگ حضرت فقط با عده‌ای خاص است. وجود امام زمان علیه السلام رحمت است و جنگ، اقدام اصلی و هدف نهایی آن حضرت نمی‌باشد؛ چون قیام آن حضرت نه برای کسب قدرت است و نه برای حفظ حکومت؛ بلکه برای اجرای عدل و رستگاری مردم است و در زمان او فرج و گشایش بر مردم می‌رسد (کارگر، ۱۳۸۹: ص ۱۸۰).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که حجت قیام کند، مانند سیره امیرمؤمنان رفتار خواهد کرد (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۴۱).

همچنین در حدیثی دیگر فرمود:

زمانی که او قیام می‌کند، به سیره رسول خدا عمل می‌نماید (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۴).

روشن است که سیره آن بزرگواران، مدارا و ملاطفت، اقامه برهان و دلیل و ... و در نهایت،

جنگ بوده است. حضرت برای همگان خیر و برکت است و مبارزه او با اهل باطل، تنها در جهت رسیدن به آرمان‌های والای الهی است (کارگر، ۱۳۸۹: ص ۱۸۳).

شایان یادآوری است آنچه باعث نابودی نباتات و حیوانات و کشتار و تلفات انسانی می‌شود، توسط جبهه باطل اتفاق می‌افتد؛ زیرا سیره امام مهدی علیه السلام به هیچ وجه کشتار نیست. بر طبق برخی روایات، بخشی از این کشتار و نابودی طبیعت، قبل از ظهور و به دست خود انسان‌ها در اثر منازعات جوامع انسانی حاصل می‌شود. به این ترتیب در همه گیتی فریاد موعودخواهی بلند شده، مردم نجات خود را از خداوند طلب می‌کنند. در زمان ظهور، محیط زیست از ویران‌گری نجات خواهد یافت و هیچ نوع ویرانی و تباهی و فساد در محیط زیست به وجود نمی‌آید. قیام حضرت مهدی علیه السلام برای تعالی خواهی و عدالت است، نه برای ویران‌گری و تخریب.

۶. آشکار شدن برکات زمین و ثروت‌های پنهان آن، به سبب وجود حضرت مهدی علیه السلام

در زمان ظهور به برکت وجود امام مهدی علیه السلام، خداوند همه برکات زمین و ثروت‌های مکنون در آن را برای حضرت آشکار می‌کند، تا مردم آن زمان در نهایت رفاه و خوشبختی زندگی کنند. در آن عصر به سبب اجرای عدالت، نه آسمان از ریزش برکات خود بر مردم دریغ می‌ورزد و نه زمین امساک می‌کند؛ بلکه هرچه دارند در اختیار بشر قرار می‌دهند؛ حقوق انسان‌ها محور توجه و برنامه ریزی است، بذر این توجه، محصولی چون رفاه و برخورداری همگانی از موهبت‌های الهی است. این موضوع در روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به خوبی تبیین شده است:

حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و گنج‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند، مگر اینکه آن را آباد خواهد ساخت (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ج اول، ص ۴۸۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

... آسمان چیزی از باران خود را باز نمی‌دارد و زمین نیز از رویدنی‌های خود چیزی باقی نمی‌گذارد (حر عاملی، بی تا: ج ۳، ص ۶۴۵).

امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی که قائم قیام کند، حکومت را بر اساس عدالت قرار می‌دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود. جاده‌ها در پرتو وجودش، امن و امان می‌شود و زمین برکاتش را خارج می‌سازد. هر حقی به صاحبش می‌رسد و در میان مردم همانند داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم و داوری می‌کند.

در این هنگام زمین، گنج‌هایش را آشکار می‌سازد و برکات خود را ظاهر می‌کند و هیچ کس، فرد مستحقی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان، بی‌نیاز و غنی خواهند شد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۳۳۸).

ابوسعید خدری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که فرمود:

اتم در روزگار ظهور مهدی علیه السلام از نعمت‌هایی بهره‌ور می‌شود که همانندش سابقه ندارد. آسمان برکات خویش را پیاپی بر آنان می‌فرستد و زمین، تمام گیاهان و گل‌ها و درختان خویش را برای آنان می‌رویاند (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۲۶۳).

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید:

خداوند متعال تمام مشکلات را بر امام دوازدهم آسان خواهد کرد و سختی‌ها و موانع را از پیش پای او بر خواهد داشت و گنجینه‌های جهان را در اختیار او قرار خواهد داد و مسافت و فاصله را برای او کوتاه خواهد کرد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ج اول، ص ۲۳۹).

۷. تولید زیاد محصولات کشاورزی در اثر حفظ محیط زیست

از بخش‌های مورد توجه حضرت قائم علیه السلام توجه به کشاورزی و دامداری است. پس از آنکه مردم، طعم تلخ کمبود باران و خشکسالی‌های پیاپی و کمبود مواد غذایی و نابودی کشتزارها را چشیده‌اند، در اثر حفظ محیط زیست، کشاورزی و دامداری رونق یافته، محصولات آنها زیاد می‌شود؛ به طوری که درآمد یک کشاورز، چندین برابر می‌شود.^۱

ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود:



۱ نک: اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴، ج ۵۱، ص ۸۱

مهدی از اولاد و اهل بیت من است؛ در آخر الزمان قیام می‌کند، آسمان برای او باران می‌بارد و زمین به یمن او دانه‌های خود را می‌رویاند. پس زمین را پراز عدل و داد می‌کند؛ همچنان که دیگران، آن را پر از ظلم و جور کرده باشند (طوسی، ۱۳۸۷: ص ۳۴۳).

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

در آخر الزمان در میان امتم، مهدی (آن نجات بخش ملت‌ها) قیام می‌کند. خدا کران تا کران قلمرو حکومت جهانی او را به وسیله باران، سیراب می‌سازد و زمین، گیاه و نبات خویش را می‌رویاند. آن گرمی، اموال عمومی را به طور عادلانه به مردم اعطا می‌کند و به دامداری و دامپروری و رونق اقتصادی اهمیت می‌دهد و امت را تکریم کرده، عظمت می‌بخشد (مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ص ۱۴۴).

در روایات آمده است:

«در دولت او آب‌ها، فراوان می‌شود و نهرها گسترش می‌یابد. زمین محصولات خود را چند برابر می‌کند و گنج‌ها، استخراج می‌شود»^۱.
این روایات نشان‌گر اهمیت و رونق کشاورزی و توجه فزون‌تر دولت مهدوی به تولید محصولات کشاورزی و رفع نیازهای غذایی مردم است.

۸. رضایت مندی همه موجودات در سایه حکومت مهدوی

روایات بی شماری در تبیین عصر مهدوی، حاکی از نهایت رضایت تمام ساکنان و موجودات از حکومت مهدی موعود صلی الله علیه و آله است. پر واضح است که این رضایت و سرور همگانی، به انسان اختصاص ندارد؛ بلکه همه موجودات زمین از آن بهره‌مندند و این مطلب بدون تأمین حقوق محیط زیست کلیه ساکنان آن نخواهد بود.

رسول خدا فرمود:

به شما بشارت می‌دهم که مهدی در حالتی مبعوث می‌شود [قیام می‌کند] که مردم در حال اختلاف و تزلزل هستند. زمین را چنانکه از ظلم و جور پرشده

۱. نک: صافی، لطف الله، منتخب‌اللائثر، ج اول، ص ۵۸۹.

است، آنچنان مملو از عدل و قسط می‌کند که عدالت او همه مردم را فرا می‌گیرد. دل‌های مردم را مملو از عبادت می‌کند و ساکنان اهل آسمان و زمین از او راضی می‌شوند (طوسی، ۱۳۸۷: ص ۳۴۲).

در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

زمین از عدل پر می‌شود، همان‌طور که پیشتر از جور پر شده بود. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان و پرنده در هوا، از این حکومت راضی و خوشحال هستند (دیلمی، ۱۹۹۷: ج ۴، ص ۴۹۶).

۹. بسط و گسترش فضائل اخلاقی در حکومت مهدوی؛ عامل مهم در حفظ و حراست

از محیط زیست

در زمان ظهور، صفات زشت و بد اخلاقی، از یک جریان غالب به یک جریان کوچک تبدیل می‌شود و صفات خوب و عالی، در میان انسان‌ها رواج پیدا می‌کند؛ زیرا در اثر رشد عقلی و ایجاد صمیمیت و تألیف قلوب آن‌ها، دیگر انسان‌ها برای متاع ناچیز دنیا به یک‌دیگر بخل نمی‌ورزند و دیگر به جنگ و جدال با هم نمی‌پردازند که در اثر این جنگ و جدال‌ها به طبیعت و محیط زیست آسیب برسد؛ زیرا جنگ‌ها همواره از مهم‌ترین دلایلی است که باعث از بین رفتن محیط زیست و انسان‌ها و دیگر موجودات روی کره زمین می‌شود. به سبب فراوانی نعمت‌ها و زیاد شدن روزی دیگر دغدغه مردم، جمع کردن مال و ثروت نخواهد بود و همه مردم از رزق الهی، به گونه‌ای بهره‌مند می‌شوند که تا کنون هیچ کسی نظیر آن را ندیده است.

در آن دوران، به سبب از بین رفتن گناهان و آلودگی‌ها و فراگیری نیکی‌ها و اعمال صالح، زمین و آسمان، نعمت‌های خود را سخاوتمندانه در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد. نیز به سبب وجود حضرت که خود، منبع خیر و برکت فراوان و سرشار است، طبیعت، نعمت‌های خود را از مردم دریغ نمی‌کند و نعمت‌های الهی به وسیله امام زمان علیه السلام کامل می‌شود. به این دلیل، طبیعت و محیط زیست را از بین نمی‌برد و به فکر آبادانی و حل کردن مشکلات محیط زیست است:

امت من در عصر او به چنان سطحی از رفاه و زندگی و برخورداری از



نعمت‌ها می‌رسند که نظیری بر آن نیست (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ج اول، ص ۵۹۱).

برخی دیگر از برکات آن دوران عبارتند از:

عطایایش گوارا است (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۷۲).

شما به جست و جوی اشخاصی بر می‌آیید که مال یا زکات بگیرند و کسی را نمی‌یابید که از شما قبول کند (طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۴۶۴).

خداوند بی‌نیازی را در دل‌های این امت قرار می‌دهد (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۴، ص ۴۷۸).

هنگامی که مهدی قیام می‌کند، خداوند در دل‌های بندگان، بی‌نیازی می‌افکند (همو: ص ۴۷۴).

یکی از دلایل ندیدن امام مهدی علیه السلام در زمان غیبت، اسراف بندگان بر خود است. در حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

بدانید که زمین از حجت‌های عزیز، خالی نمی‌ماند؛ ولی به زودی خداوند، چشمان خلقش را از دیدار او کور خواهد ساخت؛ به سبب ظلم و ستم و اسراف‌هایی که آنان به خود روا می‌دارند. اگر زمین حتی یک ساعت از حجت خدا خالی بماند، زمین، اهل خود را فرو خواهد برد (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ج ۲۹، ص ۳۳۴).

نیز امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، کینه و عداوت از دل‌های بندگان ریشه کن می‌شود و درندگان و حیوانات نیز اصلاح خواهند شد (کورانی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۵۹).

همچنین آن حضرت می‌فرماید:

قائم ما که قیام کند، آسمان با نزول بارانش و زمین با رویاندن گیاهانش، زمین را غرق نعمت خواهند ساخت و کینه و بدخواهی، از دل‌های بندگان خدا رخت بر خواهد بست (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۱۰۴).

پس در زمان ظهور چون مردم به کمال عقلی و اخلاقی دست می‌یابند، از فتنه جویی و پرخاش‌گری و بخل و حرص و جنگ و صفات بد اخلاقی دوری می‌جویند و مصداق آیه ۴۳ سوره اعراف و آیه ۴۷ سوره حجر، می‌گردند که می‌فرماید:

و آنچه در سینه از کینه و حسد دارند، ریشه کن می‌کنیم، تا همه در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند.

در این راستا در اثر ازدیاد مهر و محبت و همکاری بین انسان‌ها و طبیعت، محیط زیست نیز از دست کارهای بد انسان‌ها به دور می‌ماند و هیچ‌گونه کار بد اخلاقی در محیط زیست و طبیعت، صورت نمی‌گیرد و محیط زیست هم حفظ خواهد شد.

نتیجه

با توجه به مطالب گفته شده، نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً برخلاف نظر لین وایت یا کانت یا هر اندیشوری که مثل آنان فکر می‌کنند، محیط زیست در آموزه‌های دینی، از ارزش و اعتبار خاص برخوردار است و انسان نه تنها حق ندارد در نابودی آن دخالت کند؛ بلکه مکلف است در حفظ و حراست از محیط پیرامون خود کوشا باشد. ثانیاً محیط زیست و طبیعت در عصر ظهور، در سایه حاکمیت ارزش‌های اصیل دینی حفظ می‌شود و حقوق آن توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و کارگزارانش و همه انسان‌های مؤمن در عصر ظهور رعایت می‌گردد.

انسان‌ها هم با توجه به اینکه در کمال و فعلیت تام انسانی خویش می‌باشند، محیط زیست را آلوده و تخریب نمی‌کنند و از آن محافظت می‌نمایند. رحمت الهی نیز شامل همه موجودات زمین حتی محیط زیست خواهد شد و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه محبت خود را از آن‌ها دریغ نمی‌نماید. محیط زیست از شکوفایی و رشد و تعالی برخوردار خواهد شد و در بهترین وضعیت ممکن خود از زمان ظهور حضرت آدم ع تا آن زمان خواهد بود. در این راستا، طبیعت نیز تمام نعمت‌های الهی نهفته در خویش را در اختیار آن حضرت قرار خواهد داد، تا اینکه هم انسان و هم جهان و محیط زیست پیرامون او به سر منزل مقصود الهی خویش نائل شوند.

لذا نمی‌توان گفت طبیعت ارزش ذاتی ندارد یا معتقد شد که انسان هرگونه که خواست می‌تواند با طبیعت رفتار کند. همان‌گونه که در این مقاله مشاهده شد، طبیعت و محیط زیست، امانتی در دست انسان است و چون امانت الهی است، در عصر تجلی حاکمیت انوار الهی در گستره زمین، طبیعتاً همه استعدادهای طبیعت باید به نهایت شکوفایی خود برسند، تا انسان‌های الهی در کمال انصاف و مراعات حقوق، از آن بهره‌مند شوند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ی آیت الله ناصر مکارم شیرازی، اول، قم: اسوه، ۱۳۸۷ ش.
۲. ابن البطریق، یحیی بن حسن، *العمدة*، ج ۱، اول، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۳. احسان بخش، صادق، *آثار الصادقین*، ج ۲۹، اول، تهران: نشر صادقین، ۱۳۷۶ ش.
۴. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة*، ج ۲، اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۵. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحة*، ترجمه غلامحسین مجیدی، اول، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۹ ش.
۶. پویمان، لویی پ، *اخلاق زیست محیطی*، مجموعه مترجمان، اول، بی جا: نشر توسعه، ۱۳۸۲ ش.
۷. جوادی آملی، عبدا...، *مفاتیح الحیة*، نهم، قم: اسراء، ۱۳۹۱ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *اسلام و محیط زیست*، قم: اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۹. حجازی، دکتر سیدعلی رضا، «عصر مهدویت و حقوق محیط زیست»، *فصلنامه انتظار موعود*، شماره ۲۴، قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، بهار ۱۳۸۷ ش.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة*، اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۱. دیلمی، شیرویه، *فردوس الاخبار*، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۷ م.
۱۲. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص (روزگار رهایی)*، سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. سید بن طاووس، *سعد السعود*، اول، قم: احسن الحدیث، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. سیوطی، حافظ جلال الدین، *العرف الوردی*، اول، دمشق: دارالکوتر، ۱۴۲۲ ق.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، اول، قم: السیدة المعصومة، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. صانعی دره بیدی، منوچهر، *درسهای فلسفه اخلاق کانت*، سوم، تهران: نقش و نگار، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری*، سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
۱۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *کتاب الغیبة*، اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۱. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *کتاب غیبت*، ترجمه مجتبی عزیزی، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج و الجرائح*، اول، قم: موسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، سوم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.

۲۴. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، کافی، چهارم، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۲۵. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، اول، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۷. مرعشی نجفی، شهاب الدین، ملحقات الاحقاق، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ق.
۲۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ارشاد، اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۹. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، اول، قاهره: مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹ش.
۳۰. نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۳۱. نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم، غیبت، قم: زلال کوثر، ۱۳۹۰ش.



